



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت دریافت کارشناسی ارشد حقوق عمومی

عنوان:

همیت های رسیدگی به تخلفات اداری در پرتو اصول دادرسی عادلانه

استاد راهنما:

دکترولی رستمی

استاد مشاور:

دکتر محمد جواد رضایی زاده

نخارش:

حسن شعبانی نژاد

شهریور ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیم به:

خانواده بزرگوارم که سوختند و می‌سوزند تا روشنی بخش راه زندگیم باشند

و همچنین جناب آقای دکتر محمد محمدی کرکافی که با اخلاق، منش و انکارش در تعیین مسیر

زندگیم نقش بسزایی داشتند.

مشکر و قدردانی

به راستی، فضل خدا را که توان شمار کرد

یا کیست آنکه شکر یکی از هزار کرد

با این وجود وظیفه خود دانسته با حمد و سپاس و درگاه خداوند منان که نعمت تحصیل دانش و دانشجویی را بر ما ارزانی داشت. و همچنین از استاد راهنمای گرامی جناب آقای دکتر علی رستمی و استاد مشاور جناب آقای دکتر محمد جولو رضایی زلوه مشکر و قدردانی نمایم که بدون کمک و راهنمایی این دو استاد بزرگوار می‌بودن راه دشوار این پژوهش میسر نمی‌شد. همچنین از جناب آقای دکتر حسنعلی مؤمن زلوه‌گان نیز که داور این پژوهش را بر عهده داشتند مشکر و قدردانی می‌نمایم. از خداوند منان برای این عزیزان بزرگوار آرزوی طول عمر و سلامت می‌نمایم.

## چکیده:

در روند انجام خدمات عمومی، همواره احتمال سوءاستفاده و ارتکاب تخلف توسط مستخدمین خدمات عمومی وجود دارد که به این تخلفات در مراجعی مجزا از دادگاههای عمومی رسیدگی می شود. از آنجا که از یک طرف این مراجع خارج از قوه قضائیه و اکثراً درون قوه مجریه و وابسته به دستگاه اجرایی هستند و از طرف دیگر کارمند متهم به تخلف اداری ابزار و امکاناتی همانند دستگاه متبوع خود ندارد، و در سطحی برابر با آن نیست، لذا لازم است در مراحل رسیدگی، اصول دادرسی کارآمد و عادلانه وجود داشته باشد تا شبهه اجحاف حقوق وی نرود. ابزاری که از آن به عنوان اصول دادرسی عادلانه یاد می شود می توان از حق دفاع، حق برخورداری از وکیل، حق تجدیدنظرخواهی، مستند و مستدل بودن رای، اصل برائت و اصل حاکمیت قانون نام برد. این اصول در برخی موارد به معیارهای بین المللی نزدیک ولی در برخی موارد مورد بی توجهی قرار گرفته است.

## فهرست

صفحه	عناوین
	مقدمه
۷	الف- بیان مسئله.....
۸	ب- سوال تحقیق .....
۸	ج- فرضیه تحقیق .....
۸	د- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح .....
۸	ه- سوابق مربوط .....
۹	و- اهداف تحقیق.....
۹	ز- روش شناسی.....
۹	ر- مشکلات و تنگناهای احتمالی تحقیق.....
۹	ک- سازمان بندی تحقیق .....

### بخش اول: مبانی و مفاهیم

#### فصل اول: مفاهیم، مبانی، تاریخچه و قلمرو دادرسی عادلانه

۱۲	گفتار اول: مفهوم دادرسی عادلانه.....
۱۴	گفتار دوم: مبانی.....
۱۸	گفتار سوم: پیشینه دادرسی عادلانه.....
۲۵	گفتار چهارم: قلمرو اصول دادرسی عادلانه.....
۲۷	گفتار پنجم: تعریف و تبیین مراجع اختصاصی اداری.....

#### فصل دوم: روند رسیدگی به تخلفات اداری

۳۲	گفتار اول: مرحله بدوی رسیدگی به تخلفات اداری (هیات های بدوی).....
۴۴	گفتار دوم: هیات های تجدیدنظر.....
۵۲	گفتار سوم: هیات عالی نظارت.....

گفتار چهارم: گروه تحقیق ..... ۵۶

گفتار پنجم: نظارت قضائی دیوان عدالت اداری بر هیات ها ..... ۶۰

## **بخش دوم: تحلیل روند رسیدگی به تخلفات اداری براساس اصول دادرسی عادلانه**

### **فصل اول: اصول مربوط به معیارها و تضمینهای نهادی**

گفتار اول: اصل حاکمیت قانون ..... ۷۰

گفتار دوم: حق دادخواهی و رجوع به محکمه صالحه ..... ۷۴

گفتار سوم: استقلال و بی طرفی مرجع رسیدگی ..... ۷۸

### **فصل دوم: اصول ماهوی دادرسی منصفانه**

گفتار اول: مستند و مستدل بودن ..... ۸۹

گفتار دوم: اصل عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی و شبه جزایی ..... ۹۲

گفتار سوم: اصل تناسب ..... ۹۶

گفتار چهارم: اصل حق دفاع (اصل تناظر) ..... ۹۸

گفتار پنجم: اصل برائت ..... ۱۰۳

### **فصل سوم: اصول شکلی حاکم بر جریان دادرسی**

گفتار اول: حق تجدیدنظر خواهی ..... ۱۰۶

گفتار دوم: رسیدگی در مهلت معقول ..... ۱۱۱

گفتار سوم: حق برخورداری از وکیل یا مشاور حقوقی ..... ۱۱۴

نتیجه گیری ..... ۱۱۸

فهرست منابع و ماخذ ..... ۱۲۳

## مقدمه:

### الف- بیان مسئله:

مفاهیم دادرسی و عدالت ریشه در تاریخ تمدن بشری دارند و از قدیم الایام عدالت را صفت ذاتی دادرسی قلمداد می کردند. دادرسی اداری یکی از حوزه های مهم و جدید دادرسی است که رعایت بر حق دادرسی عادلانه و اصول تضمینات آن در این نوع دادرسی قابل توجه و بحث انگیز است. دادرسی اداری را معمولاً به دو قسم دادرسی اداری عام و دادرسی اداری اختصاصی تقسیم بندی می کنند. در برخی کشورها که دارای نظام حقوقی عرفی هستند که در راس آنها کشور انگلیس می باشد دادرسی اداری از دادرسی قضایی به شکلی که در کشور فرانسه وجود دارد تفکیک نشده است. در نظام هایی که دارای دادرسی اداری خاص هستند مانند کشور فرانسه دادرسی اداری از دادرسی قضایی تفکیک شده است که اصطلاحاً به این مراجع، مراجع اختصاصی اداری یا شبه قضایی گفته می شود، این مراجع معمولاً وابسته به قوه مجریه می باشد. در کشور ما مطابق قانون مراجع اختصاصی اداری برای رسیدگی به تخلفات اداری وجود دارد که مجزا از دادگاههای عمومی و دیگر دادگاهها می باشد. در نظام حقوقی ایران مراجع مذکور با ظهور سازمان های جدید اداری و تصویب قوانین و مقررات اداری از لحاظ کمی و کیفی، توسعه و گسترش روز افزونی داشته اند. به واسطه جنبه فنی و تخصصی این تخلفات قانونگذار برای رسیدگی به اینگونه تخلفات مراجع اداری خاصی پیش بینی کرده است. بررسی حدود صلاحیت، ساختار سازمانی، نحوه رسیدگی، صدور حکم، تشریفات رسیدگی و اجرای احکام این مراجع تحت عنوان رسیدگی به تخلفات اداری قرار می گیرد. این مراجع همانند سایر مراجع اختصاصی اداری یا شبه قضایی از ساز و کار و تشریفات رسیدگی خاصی برخوردار است که از ویژگی و فلسفه وجودی این نوع مراجع نشات می گیرد. سادگی تشریفات، سرعت رسیدگی، وابستگی به قوه مجریه، تخصص، ترکیب این مراجع، تجدید نظر خواهی ماهوی و شکلی، نظارت بر این مراجع و..... از جمله مسائل مهم مربوط به دادرسی در مراجع یاد شده است که تبیین آنها در چارچوب اصول دادرسی عادلانه بحث بر انگیز و مستلزم تحلیل دقیق می باشد. این مهم در وهله اول مستلزم شناسایی دقیق نظام رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت و تبیین مشخصات دقیق ساختار تشکیلاتی و تشریفات دادرسی موصوف است، و سپس برای تحلیل اصول دادرسی عادلانه در مورد آنها بایستی جنبه های مختلف شناخته شده ی دادرسی عادلانه را شناسایی و تبیین نماییم و در نهایت با توجه به ویژگی ها و قواعد حاکم بر دادرسی تخلفات اداری نحوه ی اعمال اصول دادرسی عادلانه را بر این مراجع نقد و تجزیه



و تحلیل نماییم. در این رهگذر علاوه بر شناسایی مرجع مذکور و آیین دادرسی آن و اشکالات و نواقص و نارسایی های نظام رسیدگی آنها به ویژه در انطباق با دادرسی عادلانه، پیشنهادهای نیز در جهت رفع آن و بهبود نارسایی های دادرسی مذکور ارائه می نماییم.

#### **ب- سوال تحقیق:**

آیا در هیات های رسیدگی به تخلفات اداری ایران قواعد ناظر بر اصول دادرسی عادلانه نظیر رعایت حق دفاع، اصل قانونی بودن جرم و مجازات و... اعمال می شود؟

#### **ج- فرضیه تحقیق:**

با توجه به قانون و مقررات و رویه حاکم بر هیات های رسیدگی به تخلفات اداری قواعد ناظر بر اصول دادرسی عادلانه به طور نسبی اعمال می شود.

#### **د- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح:**

آیین دادرسی تخلفات اداری: مجموعه ای از اقدامات و تشریفات که در قانون رسیدگی به تخلفات اداری و آیین نامه اجرائی آن پیش بینی شده که مطابق آن هیات های رسیدگی به تخلفات اداری به تخلفات اداری کارمندان دولت که به آنها ارجاع شده رسیدگی می کنند.

اصول دادرسی عادلانه: اصولی است که طبق آن هر کسی با مساوات کامل حق دارد توسط دادگاه مستقل، بی طرف، منصفانه و علنی محاکمه شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او با هر اتهامی که متوجه او باشد اتخاذ تصمیمی نماید.

#### **ه- سوابق مربوط :**

در این خصوص در گذشته منابعی وجود نداشت، ولی در سالهای اخیر در خصوص موضوع کار شده است. از جمله می توان به پایان نامه های دانشجویان در خصوص دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری اشاره نمود. همچنین کتابی تحت عنوان دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران توسط آقای دکتر رستمی و همکاران به چاپ رسیده است. اما با این وجود تحقیقات عمیقی در خصوص هر یک از مراجع به طور تخصصی بحث نشده است و در کتاب مذکور صرفاً کلیات دادرسی منصفانه در مراجع اختصاص اداری بحث شده است. لذا در

این پایان نامه سعی شده است به طور مفصل و تخصصی روند و اصول دادرسی منصفانه در هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری بحث شود.

### **و- اهداف تحقیق:**

سعی بر آن است که ضمن بررسی دادرسی تخلفات اداری کارمندان در ایران که به صورت خیلی مختصر مورد بررسی قرار گرفته اصول کارآمد و عادلانه را تبیین نماییم و برخی مسائل و مشکلات فراوانی که در نظام دادرسی تخلفات اداری ایران وجود دارد را تبیین نمایند و راهکارهایی که در جهت رفع این مشکلات و نواقص و موانع می‌توان داد را ذکر نماییم.

### **ز- روش شناسی:**

۱- نوع روش تحقیق:

توصیفی و تحلیلی

۲- روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات:

کتابخانه‌ای و اسنادی

### **ر- مشکلات و تنگناهای احتمالی تحقیق:**

فقدان منابع داخلی کافی، عدم دسترسی به منابع خارجی، عدم همکاری سازمانها و ارگان‌های ذی ربط.

### **ک- سازمان بندی تحقیق:**

این تحقیق در دو فصل ارائه شده است. فصل اول که به معرفی نظام رسیدگی به تخلفات اداری و تبیین اصول دادرسی عادلانه پرداخته شده است در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول آن مربوط به معرفی، بیان، مبانی، تاریخچه و همچنین بیان قلمرو و اصول دادرسی عادلانه پرداخته است. در بخش دوم نیز به بررسی هیات‌های رسیدگی به تخلفات پرداخته شده و مراحل رسیدگی آن را از مرحله بدوی تا تجدید نظر را معرفی کرده است.

در فصل دوم که قسمت اصلی این تحقیق می باشد نحوه اعمال دادرسی عادلانه بر هیات های رسیدگی به تخلفات اداری را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

بخش اول:

کلیات

فصل اول که در خصوص مبانی و کلیات موضوع مورد بحث می‌باشد را به دو بخش تقسیم نموده و به بصورت بنیادی به بررسی دادرسی عادلانه و تبیین مراجع اختصاصی اداری و به طور اخص هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری پرداخته‌ایم.

## فصل اول: مفاهیم، مبانی، تاریخچه و قلمرو دادرسی عادلانه

در این بخش سعی بر آن شده است که دادرسی عادلانه و مراجع اختصاصی اداری مورد بحث و بررسی قرار گرفته و مورد تبیین واقع شود.

### گفتار اول: مفهوم دادرسی عادلانه:

اصطلاح "دادرسی عادلانه" که معادل "Fair Trial" است ترکیبی وصفی است که برای درک دقیق مفهوم آن بایستی به شناخت معنای هر یک از واژه‌های "دادرسی" و "عادلانه" پردازیم. واژه "دادرسی" مرکب از دو کلمه "داد" و "رسی" است که نخستین آن به معنای عدل و انصاف و دومی به معنا رسیدن و رسیدگی کردن است. لذا دادرسی یعنی به داد کسی رسیدن یا به دادخواهی کسی رسیدگی کردن است.<sup>۱</sup>

عادلانه یا منصفانه معادل واژه "Fair" به کار برده می‌شود که در لغت به معنای "رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف و نیز به معنای "معقول و عادلانه یا متناسب با شرایط" است، مانند آنجا که وصف معامله، سهم، دستمزد، قیمت و مانند آن واقع می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد ۳، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۲۱۸۸

2. Oxtord Aduanced Learners Dictionary, sixth edition, p416

در ادبیات قضایی این واژه به معنای داشتن وصف بی‌طرفی و درستی آزادی از تعصب و جانبداری و نفع شخصی، عادلانه، منصفانه، غیرجانبدارانه و برابری میان طرفین منازعه به کار برده می‌شود.<sup>۱</sup>

البته واژه‌های *just* و *Equitable* نیز به عادلانه و منصفانه معنا می‌شوند که در کاربردهای عمومی و غیرفنی این کلمات به طور معمول بجای یکدیگر استعمال می‌شوند، اما در متون حقوقی و قضایی هر یک بر جلوه‌ای از آن معنا دلالت دارد که از حوصله این بحث خارج است. با در نظر گرفتن آنچه که درباره مفهوم هریک از واژه‌های تشکیل دهنده اصطلاح دادرسی عادلانه و مفاهیم مرتبط با آن گذشت می‌توان آن را چنین تعریف کرد.

رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات مدنی، کیفری و اداری میان طرفین دعوی چه در امور حکمی و چه در امور موضوعی، در دادگاهی صلاحیتدار، مستقل، بی‌طرف و غیر ذینفع، با تضمین و رعایت حقوق قانونی طرفین دعوا در طی مراحل مختلف دادرسی.<sup>۲</sup>

به بیان دیگر محاکمه عادلانه، عدالت شکلی در قضاوت است. در واقع مشتمل بر مجموعه‌ای از حق‌های آیینی و شکلی است که به منظور نیل به نتیجه‌ای است که همانا انجام قضاوتی عادلانه، منصفانه و بی‌طرفانه است. چنین قضاوتی هنگامی تحقق می‌یابد که به هر یک از طرفهای دعوا آنچه سزاوار است (حق) اعطا می‌کند.

البته دادرسی عادلانه تنها به آنچه در صحن دادگاه و در نظام حقوقی مربوط و راجع به نتایج دعاوی اتفاق می‌افتد، بستگی ندارد. بلکه تلاش‌ها و برداشت‌هایی که در ساخت گسترده‌تر جامعه صورت می‌گیرد نیز وابسته است. اگر محاکمه‌ای در واقع به لحاظ قضایی عادلانه باشد،

---

3. Blacks Law, sixth edition 1990, pp595-6  
1. Oxford Dictionary of Law, sixth edition, p217

اما سبب عدم موازنه و تعادل اجتماعی گردد راه حل مساله را باید در حوزه‌های دیگر جامعه جستجو کرد.

از طرفی در هر مورد خاص حمایت از حق محاکمه عادلانه دقیقاً به معنای نتیجه‌ای علانیه یا صحیح نیست، سیستم دادرسی منصفانه طراحی شده تا به متهم حقوقی را بدهد تا امکان محکومیت نادرست به حداقل برسد، نه آنکه کسی که در واقع مجرم است فرصت براءت بیابد.<sup>۱</sup> بر این اساس هنگامی که از دادرسی منصفانه سخن می‌گوییم مقصود محاکمه‌ای است که از طریق سازوکارهای مناسب قضایی، مطابق با اصول معتبر حقوقی و رعایت تشریفات قانونی لازم<sup>۲</sup> انجام می‌گیرد. پس در محاکمه عادلانه گفتگو بر سر این سازوکارها، اصول و ضوابطی است که جامعه آن را در دست داشته و قضاوت را در صورتی مشروع می‌داند که طبق آن انجام می‌گیرد.

## گفتار دوم: مبانی:

مکاتب مختلف حقوقی برداشت‌های مختلف از اصول دادرسی عادلانه نموده‌اند که به بیان این برداشتها می‌پردازیم:

### مبحث اول: اصول دادرسی عادلانه به مثابه اصول اخلاقی الزام‌آور:

این برداشت از اصول تحت تاثیر آموزه‌های مبتنی بر حقوق طبیعی است. هر چند برخی از رویکردهای رقیب بر آمده از آموزه‌های پوزیتیویستی میان اخلاق و حقوق جدایی می‌اندازند.

<sup>۱</sup> فضائلی، مصطفی، *دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی*، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷، صص ۶۱-۶۰

<sup>۲</sup> . Due process of law

لکن در این رویکرد ما می‌توانیم "اصول اخلاقی کلی"<sup>۱</sup> یا عمومی را تصور نماییم که به لحاظ حقوقی نیز الزام‌آور هستند، هر چند در یک متن واحد ذکر نشده باشند. در این برداشت اخلاق جزئی از حقوق بوده و نمود بارز آن اصول کلی حقوقی است که در واقع قسمت الزام‌آور اخلاقی است. در اینجا نسبت میان اصول اخلاقی و اصول حقوقی سنجیده می‌شود. در واقع می‌توان حداقل بخشی از اخلاق را تصور نمود که حقوق بناچار از آن تبعیت نماید. قسمت اعظم این قسم از اخلاق از طریق "اصول کلی حقوقی" در نظام حقوقی بروز پیدا می‌کند. اصول کلی حقوقی "حقوق موضوعه" را با اصول کلی حقوقی، اخلاقی می‌نمایند.

بنام در این زمینه می‌گوید: حقوق و اخلاق یک مرکز دارند ولی یک محیط ندارند. این بدین معنا است که مرزهای اخلاق هر چند از مرزهای حقوقی فراتر می‌رود لیکن بخشی از حقوق بناچار "محاط" در اصول اخلاقی است. امری که اچ.ال. هارت آنها را تحت عنوان "حداقل محتوای حقوق طبیعی"<sup>۲</sup> ذکر نموده است. بدین سان ریشه بسیاری از اصول دادرسی (که جزوی از اصول حقوقی نیز محسوب می‌شوند) در آموزه‌های اخلاقی نهفته است.<sup>۳</sup>

### **مبحث دوم: اصول دادرسی به مثابه هنجارهای بنیادین:**

در این برداشت اصول حقوقی مبین بنیادها و مبانی یک نظام حقوقی است. لذا هنجارهایی کلی و خام هستند که از درون این اصول متعالی و بنیادین "هنجارهای حقوقی" و قواعد فرعی متولد می‌شوند، یعنی هنجارهایی کلی و خام هستند که از درون این اصول متعالی و بنیادین "هنجارهای حقوقی" و قواعد فرعی متولد می‌شوند. یعنی هنجار یا قاعده حقوقی برآمده از اصول حقوقی کلی هستند. اصولی که نظام حقوقی سخت به آنها وابسته است. بر این اساس در

---

<sup>1</sup> . Minimel General

<sup>2</sup> . Minimum Content of Natural Law

<sup>3</sup> . Wacks, Raymond, philosophy of Law ,oxford university press, 2006, p28.



ماوراء قوانین مبتنی بر حقوق موضوعه می‌توان اصولی را دریافت که این قوانین براساس آنها شکل گرفته و دادگاه‌ها در دادرسی‌های خود موظف‌اند آنها را رعایت نمایند. معمولاً می‌توان زمینه‌ها و ردپاهای این هنجارهای بنیادین را در اصول سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و در اسناد حقوق بشری و قوانین اساسی یافت که بگونه‌ای کلی و خام بیان می‌گردند.<sup>۱</sup>

### **مبحث سوم: اصول حقوقی به مثابه اصول راهنما:**

در این برداشت اصول دادرسی بعنوان ابزارهای مکمل حقوق موضوعه شناخته می‌شوند که در صورت ابهام یا فقدان قانون موضوعه یاریگر و راهنمای قاضی در راستای حل مسائل و رعایت انصاف هستند. این رویکرد به اصول کلی حقوقی، حاصل تحول منابع سنتی حقوق اداری (نظیر قانون) به منابع مدرن است که قبلاً ریشه در تفکرات مبتنی بر پوزیتویسم حقوقی داشته است. این موضوع در حقوق اداری به طور عام و دادرسی‌های اداری به طور خاص با توجه به نبود قوانین و مقررات جامع و کامل از اهمیت بسزایی برای دادگاه‌های اداری برخوردار است. لذا این اصول از آنجا که هر کدام مبین فلسفه و مبنای خاصی هستند بعنوان "اصول راهنمایی شهروندان نیز قرار بگیرد."<sup>۲</sup>

### **مبحث چهارم: اصول دادسی به مثابه اصول عدالت طبیعی:**

این برداشت بر مفهوم "عدالت طبیعی"<sup>۳</sup> استوار است. برخی از نویسندگان حقوق اداری فرانسه اصول کلی حقوق اداری در اروپای قاره‌ای را با مفهوم اصول "عدالت طبیعی" در نظام‌های حقوقی انگلوساکسون یکی گرفته و آنرا با این نهاد مقایسه نموده‌اند.<sup>۴</sup> اصول مربوط به رعایت

<sup>۱</sup> . Gerard, Comu, Vocabulaire Juridique, 6ed PUF, paris, 1987, p15.

<sup>۲</sup> . هداوند، مهدی و همکاران، اصول حقوق اداری در پرتو آراء دیوان عدالت اداری، صص ۲۲-۲۳

<sup>۳</sup> . Natural Justice

<sup>۴</sup> . Voir: Aubert lefas, "Essai de Comparatison , Le Concept de nadural justicer, en droit administrative anglosanon, Revue internationale de droit comparee Annee, 1978, Voli30, No 3. p.747

عدالت طبیعی نهادی است که در حقوق اداری انگلیس مطرح و توسعه یافته است. بر این اساس گفته می‌شود به طور خاص که قضات در فرآیند رسیدگی‌های اداری، اصول دادرسی منصفانه نظیر اصل بیطرفی، اصل استماع، اصل حق بر دفاع، اصل علنی بودن رسیدگی را رعایت نمایند. البته ناگفته نماند که مقامات اداری نیز باید در فرآیند اتخاذ تصمیمات اداری بویژه در حوزه صلاحیتهای تخییری این اصول را رعایت نمایند. لذا اصول عدالت طبیعی ایجاب می‌نماید که شهروند فرصت ارائه دلایل و دفاع از خود را داشته باشد و همچنین تصمیم باید معقول و منصفانه اتخاذ گردد، هیچکس نمی‌تواند در اختلافی که مربوط به خود اوست قضاوت کند. هر چند در نظام حقوقی انگلیس، حقوق اداری بمعنایی که در فرانسه وجود دارد نفی گردیده است، اما این رویکرد به اصول کلی حقوق اداری بجای تکیه بر تمایزها و تفاوت‌های سیستمهای حقوقی فرانسوی و انگلیسی بر تشابهات و رسالت‌هایی تاکید دارد که برعهده نظام اداری است. از اینرو اصول عدالت طبیعی بخش عمده‌ای از تئوری اصول کلی حقوق اداری در فرانسه را نیز در بر می‌گیرد. در حقوق انگلیس ریشه‌های مفهوم عدالت طبیعی را می‌توان در قرون وسطی جست. زمانی که قضات محاکم بریتانیا ملاحظاتی را در فرآیند رسیدگی‌ها مدنظر قرار می‌دادند که برآمده از عرف قضایی انگلیس بود، عرفهایی که مجموعه آنها دکترین "عدالت طبیعی" را تشکیل می‌دهند.

این مفهوم در ابتدا بر مبنای دو اصل پایه‌ای "اصل نفی جانبداری"<sup>۱</sup> و "اصل حق بر استماع" شکل گرفت. اصولی که بعدها در پرتو حقوق خصوصی و حقوق سندیکایی توسعه یافته و به حوزه حقوق اداری نیز تسری پیدا نمودند. اما برعکس اصول کلی حقوق اداری آنگونه که در سیستم فرانسوی رایج گردید ریشه‌های تاریخی و عرفی سیستم انگلیسی را ندارد و بیشتر برآمده از تحولات حقوقی بعد از انقلاب فرانسه و اصلاحات ناپلئونی است. البته این برداشت هر

---

<sup>۱</sup> . Rule against bias

چند کاملاً با این مفهوم تطبیق ندارد و مفهوم اصول کلی حقوق اداری در فرانسه مفهوم موسعی است ولی می‌توان بخش عمده‌ای از این اصول را در این نهاد حقوقی جستجو نمود.<sup>۱</sup>

### **گفتار سوم: پیشینه دادرسی عادلانه:**

مطالعه پیشینه و سیر تحول تاریخی دادرسی عادلانه ما را در یافتن بینشی صحیح و تحلیلی درست از موضوع کمک می‌کند، بنابراین لازم است تا قبل از ورود به بحث تاریخچه، مختصر از دادرسی عادلانه در ادوار و افکار گوناگون بپردازیم.

روزگاری بس طولانی، تفکر حاکم بر نقش متقابل اصحاب دعوا و قاضی تفکری بود که ارجحیت را به خواهان یا شاکی می‌داد. ادعای او به وی حق می‌داد که خوانده یا متهم را بدنبال خود بکشاند و تا حدودی بار اثبات بی‌گناهی را برعهده او قرار می‌داد. یکی از نخستین نمونه‌های تدوین قوانین که حاوی اشاراتی به حقوق فردی بوده لوح حمورابی است که توسط شاه سومریان به نام حمورابی حدود ۴۰۰۰ سال پیش پدید آمد. اگر چه در مقایسه با استانداردهای امروز ابتدایی محسوب می‌شود ولی به عنوان یک سند الزام آور حقوقی از مردم در برابر اذیت و آزار و مجازات خودسرانه حمایت می‌کرد.<sup>۲</sup> کوروش کبیر در منشور معروف خود که از آن به عنوان نخستین منشور حقوق بشر یاد می‌شود اگرچه بر لزوم محاکمه و رسیدگی قضایی برای هرگونه مجازات اشاره‌ای ندارد لیکن حقوقی را بر خود تعهد می‌کند که نشان می‌دهد به طور مسلم مجازات بدون محاکمه نمی‌توانسته از نظر او عادلانه تلقی شود.<sup>۳</sup>

در یونان و روم باستان نیز اعدام افراد بدون محکومیت و مجازات فوری بدون محاکمه بی‌عدالتی به شمار می‌آمد. در شهرهای یونان وظیفه استماع اظهارات طرفین و فرصت دفاع دادن به متهم

---

<sup>۱</sup> . H.W.R,Wade, Administrative Law, 3ed, 1971, p175.

<sup>۲</sup> . <http://www.Lexicorient.com/eo>

<sup>۳</sup> . Iran chamber soeiety,History of Iran,Cryos charter of human rights,ed,by shapour Suren in://iranchamber.com/history/cyros/curas-charter.php.

به رسمیت شناخته شده بود. "سوگند دادرسان آتن حاوی عهدی بود مبنی بر استماع برابر گفته‌های شاکی و مشتکی عنه".<sup>۱</sup>

طبق قوانین آتن محاکمه دوباره یک شخص برای اتهامی که قبلاً مورد قضاوت واقع شده ممنوع بود. از مجموع آنچه در رد مجازات یا محکومیت بدون دادرسی یا استماع در یونان نقل شده است روشن می‌گردد که دست کم در میان آتنی‌ها گرایش نیرومندی در جهت دادرسی بیطرفانه و منظم وجود داشته است اگرچه هرگز نمی‌توان واژه‌ها و تعبیری یافت که با آنچه ما امروزه از آن به عنوان دادرسی عادلانه یاد می‌کنیم و یا مفاهیم و اصول مرتبط با آن همانند "رعایت آیین قانونی" و "حاکمیت قانون" منطبق باشد.

علاوه بر آن در جوامع قدیم دستورات و مقررات اجتماعی بر دین مردم بنا می‌شد و کاهنان، عاملان تنظیم قانون و مراقب آن بودند که قدیمیترین آنها به اوروکاگینا شاه دولت لاگاش تعلق دارد. وی خود را از جانب تین گیرزو خدای لاگایش "مامور برقراری عدالت و تامین حق می‌دانست".<sup>۲</sup>

علاوه بر آیین عهد عتیق در آموزه‌های یهود، در مسیحیت، عدالت در حکم و قضاوت امری بدیهی است که خدا حکام را از آغاز استقرار ملت عهد قدیم در سرزمین کنعان به آن سفارش فرمود و انبیاء نیز بر ضرورت عدالت و انصاف در دادرسی تاکید ورزیده، مسلک قضاوت ستمگر را نکوهیده‌اند (از جمله سخنان عاموس ۵:۷، ۲۳:۵، اشعیا ۱۰: ۲۰۱، ارمیا ۳: ۲۳، اشعیا ۱: ۵۶، انجیل متی ۲۳: ۲۳ و ۱۲: ۱۸-۲۱) از نظر انجیل، خدا، هم قانونگذار است هم قاضی و هم

<sup>۱</sup> کلی، جان، تاریخ مختصر حقوقی و غرب، ترجمه محمد راسخ، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲، ص ۷۲  
<sup>۲</sup> آشتیانی، جلال الدین، ایده‌آل بشر، تجزیه و تحلیل افکار، تحقیقی در آیین یهود، نشر نگارش، ج دوم، ۱۳۶۸، صص ۵۶-۲۵۵